

جامعه‌شناسی روستایی چیست؟؟

جامعه‌شناسی روستایی شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که در آن نظام‌های اجتماعی و مناسبات در جامعه روستایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در اوایل قرن بیستم جامعه‌شناسان توجه بیشتری به این موضوع پیدا کردند.

ایجاد انجمن جامعه‌شناسان روستایی در سال ۱۹۳۷ و همچنین انتشار مجله جامعه‌شناسی روستایی در آمریکا، گامی در گسترش این رشته از جامعه‌شناسی شد.

در سال ۱۹۵۷ در اروپا مجله‌ای توسط انجمن اروپایی جامعه‌شناسان روستایی انتشار یافت. هر یک از این اقدامات تنها باعث گسترش جغرافیایی این دانش نشد؛ بلکه مسائل تازه‌ای را در این رشته مطرح ساختند.

موضوع این علم به پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی روستایی محدود می‌شود. در جامعه‌شناسی روستایی به بررسی انواع نظام‌های اجتماعی؛ مانند خانواده، جمعیت، گروه‌بندی، ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، گرایش‌ها، کارکردها، تحولات و بالاخره کلیه امور و مسائل جامعه روستایی پرداخته می‌شود که شناخت آنها می‌تواند، از یک سو برای توسعه، رفاه اجتماعی و بهبود زندگی روستائینان سودمند باشد و از سوی دیگر زمینه گسترش جامعه‌شناسی روستایی به عنوان یک رشته علمی فراهم گردد.

جامعه‌شناسی روستایی مسائل اقتصادی، فنی، زیستی، طبیعی و عوامل دیگری را که در پذیرش تغییرات و نوآوری‌ها نقش دارند، از طریق تحقیق تبیین می‌کند.

بر پایه آن چه گفته شد جامعه‌شناسی روستایی در تحقیقات خود از رشته‌های متعدد علوم اجتماعی؛ از جمله، جغرافیای انسانی، جمعیت‌شناسی، اقتصاد، تاریخ و آمار یاری می‌گیرد.

برای مثال، مطالعات ریخت‌شناسی جوامع روستایی ضرورت علم جغرافیای انسانی در جامعه‌شناسی روستایی را مشخص می‌کند.

لزوم استفاده از جغرافیا در مطالعات اجتماعی به حدی است که غالباً جغرافی‌دانان، مطالب مهمی را برای سایر علوم اجتماعی به خصوص جامعه‌شناسی روستایی پدید می‌آورند. اکولوژی انسانی یکی از این موارد است.

اهمیت تاریخ، در جامعه‌شناسی روستایی نیز از آنجا سرچشمه می‌گیرد که سنت در جامعه‌شناسی روستایی بسیار قابل اهمیت است. به دلیل غلبه روحیه محافظه‌کارانه در روستاها، سنت‌ها به کندی تغییر می‌کند. نظر به این‌که اصل و منشأ سنت‌ها اغلب به گذشته‌های دور برمی‌گردد، برگشت به گذشته و یاری گرفتن از تاریخ در این مورد ضرورت دارد.

مسائل مورد بررسی جامعه شناسی روستایی:

- ۱- بررسی ساختار جمعیت روستا
- ۲- بررسی طبقات و قشرهای اجتماعی، نحوه معیشت و سطح زندگی آنها
- ۳- بررسی نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی
- ۴- بررسی ارزش‌های اجتماعی جامعه روستایی
- ۵- بررسی هنجارهای اجتماعی
- ۶- بررسی فرهنگ روستایی که به طور عمده متأثر از سنت‌های روستایی است.

زنان، پیشروان توسعه روستایی

کشاورزی و دامپروری در اقتصاد ایران حائز اهمیت است. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ بخش کشاورزی ۲۷/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران (GDP) را تشکیل داده و ۲۶/۱ درصد از جمعیت فعال کشور در این بخش به تولید اشتغال داشته‌اند. بخش زیادی از صادرات کشور، محصولات کشاورزی و روستایی است. زنان روستایی نیمی از جمعیت روستایی کشور هستند و در تمامی فعالیتهای تولیدی دوشادوش مردان به تولید و سازندگی اشتغال دارند. این نوشته با ارائه آمار، سعی در تبیین نقش این تولیدکنندگان خستگی‌ناپذیر دارد.

زنان و توسعه کشاورزی:

زنان روستایی بیشتر فعالیتهای تولیدی در بخش کشاورزی را انجام می‌دهند. طبق آمار موجود حدود ۶/۵ میلیون نفر از زنان روستایی به طور مستقیم در کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی حضور فعال دارند. علاوه بر این، دختران روستا از کودکی به فعالیت کشاورزی و دامپروری مشغول می‌شوند.

تهیه غذا و نگهداری غلات و حبوبات در روستاهای کشور توسط زنان صورت می‌گیرد. زنان روستایی همانند مردان در پرورش دام و طیور نقش مهمی دارند. در مناطق شمال کشور پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل هم بر عهده زنان است. حتی در بازارهای محلی، زنان محصولات تولیدی خود را برای تأمین درآمد خانواده به فروش می‌رسانند. آنان در واقع بازررسانی و بازاریابی محصولات کشاورزی را به نحو مطلوبی اجرا می‌کنند. زنان روستایی در تصمیم‌گیری کشت محصولات زراعی هم نقش دارند اما تصمیم‌گیری نهایی با مردان است. زنان مسن در خانواده‌های روستایی اهرم اصلی تصمیم‌گیری در خانه و مزرعه هستند.

هر چند مطابق قانون مدنی کشور، زن و مرد باید حقوق یکسانی در خصوص مالکیت زمین، دام و فرصتهای شغلی داشته باشند اما وضعیت مالکیت زنان به طور کامل روشن نشده است! بویژه در روستاها، مالکیت زنان هنوز ناشناخته است. در کشورهای دیگر مالکیت زراعی هم بر عهده زنان است. در آفریقا اشتغال زنان به کشاورزی ۸۰ درصد، در آمریکای لاتین ۴۰ درصد و در آسیا حدود ۷۲ درصد است که هر زنی می‌تواند

الگوي کوچ نشيني

عشاير کشور در شرایط کنونی از نظر الگوي زیست به سه گروه عمده و متمایز تقسیم می شوند: عشاير صحرائشین، نیمه صحرائشین و یکجانشین

الف) عشاير صحرائشین: این گروه از عشاير، کوچ رو محض بوده و فاقد ساختمان و خانه چینه (خشت و گلي) در بیلاق و قشلاق می باشند و تمامی سال را در زیر چادر یا سرپناهي متحرك به سر می برند.

زندگي اقتصادي این گروه عمدتاً متكي بر دامداري و مرتع، منبع اصلي تأمین خوراك دام است. اکثریت این گروه از عشاير را بهره برداران فاقد زمین تشکیل داده اند.

ب) عشاير نیمه صحرائشین: گروهی از عشاير کوچ رو که در قشلاق یا در بیلاق و یا هر دو داراي خانه بوده، نیمه صحرائشین تلقی می شوند. این گروه مدتی از سال به ویژه زمستان و ماهای سرد را در خانه خشت و گلي یا در بناهای ساخته شده از مصالح سخت به سر می برند.

اکثریت خانه ها و بناهای ساخته شده عشايري در قشلاق است و مدت اقامت در قشلاق نیز بیش از بیلاق است. به همین جهت در زمستان تشخیص عشاير نیمه صحرائشین از روستاییان دشوار است.

زمینه اصلي فعالیت این گروه از عشاير نیز دامداریست. ولی با زراعت و باغداری در بیلاق و قشلاق یا هر دو قلمرو توأم است. تأمین غذای دام صرفاً متكي به مراتع نیست و تعلیف دستی به ویژه در قشلاق به مرور اهمیت بیشتری یافته است.

ج) عشاير یکجانشین: این گروه از عشاير در قشلاق یا بیلاق به طور دائم اقامت گزیده اند و بخشی از آنان به رمه گردانی دام در مراتع پیرامون کانونهای استقرار بسنده می کنند و برخی نیز فقط دامهایشان را برای استفاده از علوفه مرتعی به عشاير خویشاوند گروه اول و دوم می سپارند. در مواردی نیز علیرغم تمرکز فعالیتهای زراعی در قلمرو استقرار دائمی، از نسق زراعی خود در قلمرو دیگر، به شیوه های متفاوت مانند اجاره اراضي استفاده می کنند.

الگوي زیست این گروه از عشاير که به دلایل متعدد زندگي چادرنشینی را رها کرده و یکجانشین شده اند، روستایی است. گرچه هنوز پای بندي، وابستگی و علائقی به زندگي عشايري دارند که متناسب با قدمت استقرار، این پیوندها گسسته می شود. البته در این گروه طیفهای متفاوتی وجود دارد که بخشی از آنان داراي شرایط بالقوه ای برای کوچ می باشند. در گذشته نیز بارها عشاير یکجانشین پس از مدتها استقرار و آبادی نشینی، مجدداً چادرنشینی کوچ رو شده اند، به ویژه عشايري که به اجبار با تخته قاپو و یا به دلیل استیصال و فقر اسکان یافته اند. چنانکه پس از انقلاب اسلامی و در گرما گرم جنگ نیز جماعتهایی از عشاير اسکان یافته به کوچ روی آورده اند.

منابع معیشت عشایر

محور و زمینه اصلی فعالیت‌های اقتصادی در جامعه عشایری دامداری است که نقش تعیین کننده و بارزی در این شیوه از زندگی دارد. سایر فعالیت‌های تولیدی عشایر مانند زراعت، صنایع دستی و ... از اهمیت کمتری برخوردار بوده و تحت الشعاع دامداری است.

1- دامداری: دامداری عشایری بر مبنای تعلیف دام از مرتع سازمان یافته است. این وابستگی بر تمامی شئون زندگی و الگوی زیست عشایری تأثیر نهاده، به طوری که به پرورش دام های نشخوارکننده با استفاده از مراتع طبیعی اشتغال دارند و کوچ نشینی عمدتاً از تبعات چنین فعالیتی است. بر همین اساس عشایر ناگزیر به جابه جایی های دسته جمعی و دشوار در عرصه مراتع بوده و مسیرهای طولانی را از جلگه های پست قشلاقی تا دامنه ها و مرتفعات صعب العبور بیلاقی طی می کنند تا از مراتع قابل تعلیف، غذای دام های خود را تأمین کنند. پذیرش این شیوه معاش دشوار با زندگی سرگردان و مشقت بار، بدان خاطر است که عشایر می توانند به پشتوانه حقوق عرفی از مراتع سنتی خود، بدون پرداخت هزینه ای بابت علوفه مرتعی استفاده کنند.

دام، سرمایه اصلی عشایر کوچنده است و سرمایه دامی عشایر کشور در شرایط کنونی قریب ۱۷/۵ میلیون واحد دامی است که عمدتاً (۸۶/۴ %) دام کوچک اتست. مهمترین فرآورده های دامداری عشایری گوشت قرمز و شیر است که به ترتیب حدود ۱۳/۲ % گوشت قرمز و ۸/۱ % شیر تولیدی کشور است. ارزش تولیدات دامی عشایر کوچنده حدود ۲۲۰ میلیارد ریال است که ۶۹ % آن از تولید گوشت، ۲۳ % از تولید شیر و بقیه از پوست و الیاف دامی است. عمده ترین اقلام هزینه دامداری عشایری علیرغم استفاده از مراتع، مربوط به تأمین خوراک دام است که قریب ۹۸ % از میزان هزینه ها را در بر می گیرد. روی هم رفته حدود ۴۵ % از نیاز غذایی زراعی عشایری نیز جوابگوی قریب ۵ % از نیاز غذایی دام است. نتیجتاً بالغ بر نیمی از غذای مورد نیاز دام های عشایری می بایست به شیوه های مختلف مانند اجاره سرچر و پس چر مزارع روستاییان، خرید جو و علوفه و ... با پرداخت هزینه هایی که به مرور فزونی می یابد پرداخت گردد. به همین جهت تأمین غذای دام امروزه مهمترین و اساسی ترین مسأله عشایر است. زیرا با توجه به تخریب گسترده و کاهش دام افزون سطح و بهره دهی مراتع و همچنین افزایش قدر مطلق دامی، نیاز به تولید محصولات علوفه ای اهمیت بیشتری می یابد. در حالی که حدود ۴۶/۳ % از بهره برداران عشایری فاقد زمین مزروعی بوده و بقیه نیز به ازای هر ۶۰ واحد دامی، به طور متوسط دارای یک هکتار زمین مزروعی بوده اند. متوسط زمین مزروعی برای خانوار عشایری حدود ۲/۵ هکتار و متوسط زمین زیر کشت معادل ۱/۷ هکتار است که فقط ۰/۵ هکتار آن زراعت آبی است.

دلیل نسبت زنان محصل به کل زنان باسواد بیشتر از نسبت مشابه در مردان عشایری است

خلاصه فصل سوم جامعه شناسی روستایی

جامعه شناسی دانش جوانی است که از عمر آن درمقایسه با دانش های دیگرسالهای زیادی نمی گذرد

نخستین بارواژه ی جامعه شناسی را آگوست کنت به کاربرد و به پدر علم جامعه شناسی معروف است

نکته ی جالب توجه این است که وی برای رشته جامعه شناسی لباسهای مخصوصی طراحی کرده بودو کلیسای مخصوص جامعه شناسی را تاسیس کرد وی جامعه شناسی را به منزله یک دین باورداشت

رشته جامعه شناسی از یک سو دیدگاه های فکری متعددی که وجود دارد تعاریف متعددی ر از جامعه شناسی به وجود می آورد و به همین خاطر دربین نظرات توافق کمتری به چشم می خورد

درحقیقت شاید بتوان گفت به تعداد جامعه شناسان نظرات جامعه شناسی وجود دارد که به چندمورد از آنها اشاره می کنم

سامنر معتقد است جامعه شناسی علم شناخت جامعه است

دورکیم جامعه شناسی را علم نهادها نام گذاری می کند و آن را علم عمل اجتماعی می داند

اسمال جامعه شناسی را علم کنش متقابل نمادین می داند

درکل می توانیم نظریات جامعه شناسی را درسه گروه تقسیم بندی کنیم

۱- نگاه کلی گرایانه به جامعه شناسی

۲- نگاه جزئی گرایانه به جامعه شناسی

۳- نگاه موضوع گرایانه به جامعه شناسی

با مطالعه همه نظرات و در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف شان می توان یک تعریف واحد که بیشترین نقاط مشترک را باهم دارن ارائه کرد و آن هم این تعریف است

جامعه شناسی دانشی است که موضوع مورد مطالعه آن شناخت نهادها و پدیده های اجتماعی است و از این طریق می توان به اصول و قوانین حاکم بر جامعه پی برد

هدف جامعه شناسی این است که تصویری صحیح، علمی و دقیق از روند تکامل جوامع مختلف انسانی ارائه بدهد

بر همین است که می گویند جامعه شناسی دو وظیفه مهم دارد

۱- مجهز کردن انسان هابه شناخت قوانین حاکم بر روندهای تکامل جامعه و متحول کردن کارکردهای اقتصادی و فرهنگی و... انسانهاست

۲- بیان رهنمودهایی برای فعالیت مطلوب نظامهای اجتماعی مختلف در حوزه های گوناگون حیات اجتماعی

جامعه شناسی روستایی چیست؟

جامعه شناسی روستایی شاخه ای تخصصی از جامعه شناسی عمومی است و حوزه تحقیقی آن جوامع روستایی است

جامعه شناس روستایی باید درحقیقت یک جامعه شناس باشد

دریک تعریف جامعه شناسی روستایی یعنی مطالعه و بررسی حیات اجتماعی افرادی که در روستا زندگی می کنند

مباحث مطالعاتی جامعه شناسی روستایی از جامعه ای به جامعه دیگر و از کشورهای دیگری متفاوت است زیرا شرایط اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جامعه متفاوت است برای همین باید در بررسی روستاهای کشور بانگاهی متفاوت و دقیق کلیه جوانب را مورد بررسی قرار داد

برای همین می توانیم بگوییم که جامعه شناسی روستایی یعنی مطالعه شیوه زندگی، اندیشه و باورهای روستائیان است وهدف جامعه شناسی روستایی تنها ارائه دادن مفاهیم ذهنی غیر قابل لمس نیست بلکه درک کردن واقعی حیات اجتماعی انسانها و باورهای انسانهای یک روستاست

تاریخچه جامعه شناسی روستایی

با اینکه جامعه شناسی در قرن نوزدهم پا گرفت و به بررسی مردم جوامع مختلف پرداخت اما نخستین تحقیقات جامعه شناسی روستایی در قرن بیستم انجام شد

خاستگاه تاریخی جامعه شناسی روستایی که یک دانش اجتماعی است از آمریکا شروع شد و علت آن هم بررسی های روستایی در سال ۱۹۰۸ بنا به دستور رئیس جمهور وقت آمریکا و تاسیس انجمن حیات روستایی شروع شد

در سال ۱۹۳۷ انجمن جامعه شناسی روستایی تاسیس شد و نشریه مجله جامعه شناسی روستایی را منتشر کرد

نخستین تحقیقات مدون زیر نظر فرانکلین گید و چالز گاپلین انجام گرفت

لویه نخستین فردی بود که به جای تحقیقات کتابخانه ای به مشارکت در زندگی اجتماعی روستائیان و تنظیم پرسشنامه و تهیه تک نگاری آماری پرداخت

به همین دلیل لویه رامی توان نخستین جامعه شناس روستایی نامید

پس از جنگ جهانی دوم جامعه شناسی روستایی به سایر کشورهای جهان راه یافت

در سال ۱۹۵۷ انجمن اروپایی جامعه شناسی روستایی تاسیس شد انجمن مشابهی هم در ژاپن بنیان گذاری شد که در ابتدا به امور کشاورزی می پرداخت جامعه شناسی روستایی اروپا سبک و سیاق آمریکایی دارد در حال حاضر هم کشورهای جهان سوم به مساله جامعه شناسی روستایی توجه کردند در پایان ویژگی جامعه شناسی روستایی رامی توان در دو مورد خلاصه کرد نخست اینکه جامعه شناسی روستایی در اینگونه کشورها بدون در نظر گرفتن زمینه فلسفی و صرفا با دیدی انتقادی شکل گرفت دوم اینکه در خاورمیانه نظامهای اجتماعی و فرهنگی کشاورزان کنونی اختلاف زیادی بانظامهای غیرکشاورزی ندارد

تعریف ده و روستا:

در مورد روستا و ده تعاریف متعدد و زیادی گفته شده، ده یا روستا که در کتابهای نشر قدیم به صورت ديه هم دیده می شود، در زبان پهلوی، ده (Deh) در پارسی باستان (Dahya) به معنی سرزمین و در اوستا به شکل دخیو (Daxya) آمده است.

در ایران، ده از قدیمی ترین زمان یک واحد اجتماعی و تشکیلاتی و جایی بوده است که در آن گروههایی از مردم روستایی برای همکاری در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرد هم تجمع یافته اند. ده اساس زندگی اجتماعی ایران را تشکیل می دهد و اهمیت آن به اعتبار اینکه یک واحد تشکیلاتی در زندگی روستایی است، در سراسر قرون وسطی و از آن پس تا به امروز برقرار بوده است

تعاریف دیگر

در عرف ده عبارت از محدوده ای از فضای جغرافیایی است که واحد اجتماعی کوچکی مرکب از تعدادی خانواده که نسبت به هم دارای نوعی

احساس دلبستگی، عواطف و علائق مشترک هستند، در آن تجمع می یابند و بیشتر فعالیت هایی که برای تأمین نیازمندی های زندگی خود انجام می دهند، از طریق استفاده و بهره گیری از زمین و در درون محیط مسکونی شان صورت می گیرد، این واحد اجتماعی که اکثریت افراد آن به کار کشاورزی اشتغال دارند در عرف محل ده نامیده می شود.

پلاسید رامبد (Placide Ramboud) جامعه شناس فرانسوی می گوید: ده واحد اجتماعی ویژه ای است که با یک فضا در ارتباط متقابل است و این فضا به عنوان یک عنصر ضروری در نظام اجتماعی ده نقش دارد و به این ترتیب ده دارای بعد اجتماعی است که

می‌تواند یکی از عوامل اساسی تشکیل دهنده آن به شمار رود. ده محصول کنش‌های متقابل گروه‌های انسانی و فضا است، میان اعضای ده رابطه‌ای محلی وجود دارد که نتیجه کنشهای متقابل تاریخی است و موجب پیدا شدن حافظه جمعی و محلی است و در نتیجه نوعی وجدان یا شعور جمعی به وجود می‌آورد

مهندس نیلوفر حاجیان

تعریف ده در قانون

در قانون اصلاحات ارضی در ایران ده چنین تعریف می‌شده است. ده یا روستا عبارت از یک مرکز جمعیت و محل سکونت و کار تعدادی خانواده که در اراضی آن ده به کار کشاورزی اشتغال دارند و درآمد اکثریت آنان از طریق نوعی روابط اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی وجود دارد و این روابط موجب پیدایش وحدت و یکپارچگی گروه می‌شود و آن را از گروه دیگر متمایز می‌سازد. اجتماع ده دارای نیروی معنوی مسلط بر اعضایش است که بر رفتار افراد نظارت عالییه شدید دارد و آنها را به پیروی از هنجارهای اجتماعی وادار می‌کند و این نیروی معنوی همان سنت‌های روستایی و قوانین ثابتی است که بر جامعه ده حاکم است.

تونیس (Tonnies) می‌گوید: جامعه روستایی به عنوان یک جامعه آرمانی که سرشار از تقدس، هماهنگی و صلح و صفاست. کشاورزی حاصل می‌شود.

رامبد می‌گوید: روستا برآیندی از عناصر طبیعی و عناصر ساخته شده است که به گونه‌ای زمینه سازگاری فرد را با جامعه فراهم می‌آورد و موجب جامعه پذیری می‌شود. در ده بین گروه و فضای جغرافیایی محدود و بسته و ثابت

روث گلاس (Ruth Glass) می‌نویسد: برای ما صفت روستایی دارای مفهوم مطبوع و مطمئنی است. زیبایی، سادگی، راحتی، فراغت، منظره‌های دلگشا، آزادی، صلح و صفا و آرامش است.

تعریفی از روستا

معنی لغوی روستا محل رویش یا رستنگاه گیاه ذکر شده که حاکی از نقشی است که روستا با وجود

آب و زمین مناسب در رشد گیاهان زراعی و شکل‌گیری اقتصاد کشاورزی دارد. روستا یا ده کوچکترین

مرکز تجمع و حیات انسانی در کشور است و در سرشماری رسمی ایران نقاطی که کمتر از ۱۰۰۰۰

هزار نفر است ده یا روستا گفته می شود. ظهور روستا یا ده تابع عواملی چون وجود آب و دیگر

موقعیت های جغرافیایی است. هر جایی که آب یافت شود خواه به صورت چشمه یا قنات، خواه به

صورت چاه یا رودخانه مردم بر گرد آن حلقه می زنند و مرکز تجمع کوچکی به نام روستا یا ده به وجود

می آورند. با توجه به محیط های مختلف جغرافیایی از قبیل دشت، کوه، کوهپایه و میانکوه هریک به

نسبت شرایط حیاتی خود موجب تجمع به صورت گسترده یا محدود می گردند. روستا قلمرو

زیستگاهی است که ساخت و ساز انسانی در آن محدود باشد و چشم انداز یک محیط طبیعی مثل

جنگل، مرتع، زمین بایر و یا مزارع کشاورزی را الغا می نماید. در روستا اصولاً اشتغال غالب بهره

کشی از زمین می باشد و روستاییان از این طریق امرار معاش می کنند. در روستا اختلاف بین گروه

های اقتصادی و فرهنگی بسیار اندک است. روابط روستاییان با یکدیگر عمیق تر و با محتوای بیشتر است.

مهندس نیلوفر حاجیان

گروه بندی روستا بر اساس شکل استقرار و تپ آن

در تپ شناسی روستاهای ایران سه تپ مشخص می شود:

الف) روستاهای متمرکز یا گرد آمده

ب) روستاهای پراکنده

ج) روستاهای بینابین

در روستاهای متمرکز مساکن به یکدیگر چسبیده و چشم اندازی متمرکز دارند که عموماً بدون فضای خالی است. (با توجه به عکسی گوگل ارث که از نمای بالایی روستای بام است این خصوصیت کاملاً مشاهده می شود) در روستاهای متمرکز مزرعه که عموماً محل کار روستاییان محسوب می شود از خانه ها جدا بوده و گاهی در فاصله دوری قرار دارند. البته گاهی این مسافت خود موجب مشکلاتی برای معیشت روستاییان است عمده ترین عواملی که در شکل گیری این تیپ از روستاها دخالت دارند عبارتند از: ضرورت دفاع و امنیت، وجود منبع آب دائمی مثل چاه، چشمه، قومیت، توپوگرافی زمین و شیوه های بهره برداری زمین و ... از آنجائیکه جامعه روستایی دارای شرایط اجتماعی همگرا می باشد لذا بهره برداری اشتراکی از زمین پیوسته در بین روستاییان بوده و همین باعث پیدایش روستاهای متمرکز شده است.

تکیه آرموت

روستای آرموت تکیه در بخش میانی طالقان (میان طالقان) واقع شده است که از غرب با روستای سوهان. از شرق با روستاهای دنبلید و آردکان و از جنوب با روستاهای کمکان (البته روستای کمکان به دلیل ساخته شده سد جدید دیگر وجود ندارد) و زیدشت همجوار میباشد.

این روستا دارای دو راه ورودی میباشد. راه اول که تردد بیشتری در آن صورت میگیرد. از جاده اصلی طالقان منتهی به سرپایینی زیدشت شروع شده و پس از گذشتن از پل آردکان از راه روستاهای آرتون. دنبلید. آردکان جدا شده و به سمت شرق و بالاخره به این روستا منتهی میشود. راه دوم از طرف جاده سوهان میباشد که چند کیلومتر مانده به سوهان به طرف راست جدا شده و به این روستا میرسد. در هنگام عبور از راه اول سمت چپ جاده با شیب نسبتاً تندي که به شاهرود منتهی میشود از باغهای محلی سرسبزی تشکیل شده است که در